

آخری مأموریت

خاطراتی کوتاه از رزمندگان کردان

«علی بن ابی طالب»

سرشناسه	شریفی، امیرحسین، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	آخرین مأموریت: خاطراتی از روزندگان گردان علی بن ابی طالب-نویسنده امیرحسین شریفی؛ ویراستار: فاطمه فاطمی نیا؛ [برای] اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان مرکزی.
مشخصات نشر	تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، نشر صریح، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۳۸ ص.
شابک	۲۰۰۰۰۰۰ ریال، ۸-۱۴-۰۰۱۴-۲۹۶-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	خاطراتی از روزندگان گردان علی بن ابی طالب.
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
موضوع	Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Personal narratives
شناسه افزوده	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان مرکزی
شناسه افزوده	Center for the Preservation of Works and Publication of Holy Defenses' Values. Administration of Preservation of Works and Publication of Holy Defense's Values of Markazi Province
شناسه افزوده	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، نشر صریح
رده بندی کنگره	DSR۱۶۲۸
رده بندی دیویی	۰۸۳۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۶۷۳۲۰
اطلاعات رکنورد کتابشناسی	فیا

آخرین مأموریت

نویسنده: امیرحسین شریفی

ویراستار: فاطمه فاطمی نیا

طرح جلد: محمد ملکی

صفحه آرای و امور دیجیتال: محمد ملکی- ۳۸ صفحه

نشر: صریح- ۱۴۰۰

چاپ: اول- زیتون، قطع، رقعی

شابک: ۸-۱۴-۰۰۱۴-۲۹۶-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

آدرس مرکز پخش: اراک - خیابان قائم مقام - نرسیده به میدان

مقاومت - خیابان موزه، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع

مقدس استان مرکزی - دایره ادبیات و تاریخ

کدپستی: ۳۸۱۷۷۷۱۱۱۱ - شماره تماس: ۰۸۶-۳۳۲۵۵۴۷۰

حق چاپ برای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع

مقدس استان مرکزی محفوظ می باشد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
مرکز استان مرکزی



نگارخانه اسناد و کتابخانه
مرکز استان مرکزی

- ۱ مقدمه
- ۳ شهید یعقوب علی صیدی
- ۷ شهید اصغر فتاحی
- ۱۳ شهید نظامعلی فتحی
- ۱۷ شهید ابوالفضل ده کهنه
- ۱۹ شهید محمد رضا زاهدی
- ۲۲ شهید اکبر علی محمدی
- ۲۴ شهید محمود معین الاسلام
- ۲۶ شهید غضنفر داودآبادی
- ۲۸ شهید محمود حسین خانی

مقدمه

«فَلَمَّا آتَاهَا نُودَىٰ يَا مُوسَىٰ (۱۱) إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۚ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲)»^۱

«پس همین که نزد آتش آمد، ندا داده شد: «ای موسی! همانا من پروردگار تو هستم، پس کفش خود را بیرون آور، به درستی که تو در سرزمین مقدس (طوی)^۲ هستی.»

ماجرای حضرت موسی (ع) از بزرگترین داستان‌های قرآن است، خداوند در اولین تجلی بر حضرت موسی (ع) خودش را با این نام «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ» معرفی نمود و چون نبوت موسی (ع) با کلام و ندای الهی آغاز شده، او را «کلیم الله» می‌نامند.

مراد از کندن دو کفش، دل کندن از دو نگرانی است: یکی نگرانی از وضع همسر در آن سرما و دیگری، نگرانی از شر فرعون. بعضی نیز آن را اشاره به همسر و فرزند و یا حب دنیا و آخرت دانسته‌اند. بعضی مکان‌ها

^۱ -سوره طه (۲۰)، آیه ۱۱ و ۱۲

^۲ -۱ سم جلگه‌ای است که در دامنه کوه طور (محل مناجات حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام با خداوند) قرار دارد و خداوند در قرآن آن را وادی مقدس نامیده است: زیرا محل حاضر شدن در برابر خداوند و مکان مناجات بوده است.

نیز دارای قداست خاصی هستند. از آداب ورود به مکان‌های مقدس، بیرون آوردن کفش و پابره‌نه رفتن است.

محبت؛ حدیث دوستدارانی است که با عشق و لذت، طعم بندگی را چشیدند، و در حالی که بنده حق شدند به آزادی و عرش الهی رسیدند، یعنی؛ از دنیا دل بریدند و به سوی حق، قدم برداشتند. مؤمنان در برابر مشکلات و حوادث سخت، دچار ترس و دلهره نمی‌شوند، تسلیم خدا می‌شوند. بله! محبت، نتیجه دل کردن از خود است و به سوی معبود رفتن؛ این دل چشمة لذت و عشق است. عشق و محبت روح زندگی است و عاشق بی‌قرار بندبند وجودش در بند محبت است؛ افراد عاشق تا عرش و نورانیت پر می‌کشند. بنده بودن، والاترین مقام انسان است و این‌گونه افراد نورانی و درخشان، چرا سرآمد آدمیان نباشند!

آری! شهیدان بندگان پاک و بی‌قراری بودند که در قدم گذاشتن به جبهه با یقین و بدون ذره‌ای شک‌وت‌تردید و لغزش از آسمان بالاتر رفتند و به عرش خدا رسیدند. اینک! آخرین مأموریت سرداران گردان علی‌بن‌ابی‌طالب به یاد هشت سال دفاع مقدس نوشته شده است تا یاد و نام آن‌ها همیشه در خاطر همه باقی بماند و نسل‌های آینده بدانند که بر مردم و سرزمین ما چه گذشته است. شهادت این سرداران و هزاران نفر مانند آنان، برای

ماندگاری دین و ارزش‌ها بود تا ما سرافکنده نباشیم. نوجوانانی که بدون ترس، باعشق و ایثار، به لشکر دشمن حمله می‌کردند، می‌جنگیدند و در برابر تانک و گلوله دشمن می‌ایستادند؛ چون، از شهادت و کشته شدن هراسی نداشتند و به فرمان رهبر لبیک می‌گفتند. جوانان و نوجوانان درس و مدرسه را در جبهه می‌دیدند و دفاع کردن از دین، انقلاب و کشور را از هر چیزی مهم‌تر می‌دانستند. افرادی بودند که از خانواده و فرزند و مال گذشتند و تمام راحتی و شادی را پشت سر نهادند و قدم به جبهه جنگ گذاشتند تا تکلیف را ادا کرده باشند.

«شهید یعقوب علی صیدی»

بچه‌های گردان سر ساعت مشخص شده به همراه خانواده‌هایشان برای عزیمت به منطقه جنگی به راه آهن آمده بودند و هر کدام از بچه‌ها در گوشه‌ای همراه اقوام و خویشان مشغول گفت‌وگو بودند. صدای سوت قطار به گوش می‌رسید، همه منتظر رسیدن قطار بودند که از بلندگوی راه آهن اعلام شد: «برادران رزمنده و خانواده‌هایشان توجه فرمایند؛ قطار نزدیک است، از ریل قطار فاصله بگیرید!»